

بناام خدا

همه چیز در باره

کسبین حذف ملاک تعیین ظرفیت

برای حرفه وکالت

نسخه سوم

## تبیین هدف کمپین

### ملاک تعیین ظرفیت برای حرفه وکالت خلاف قانون و نیاز های جامعه است

□ نتایج آزمون وکالت اخیرا اعلام شده و مطابق هر ساله بخش عظیمی از شرکت کنندگان در آزمون وکالت از قبولی و احراز شغل وکالت بازماندند. امسال حدود ۶۰ هزار نفر در آزمون شرکت کردند و فقط ۱۷۰۰ نفر نهایتا در این آزمون پذیرفته می شوند. مطابق آمار رسمی کشور حدود ۶۰۰ هزار فارغ التحصیل حقوق دارد که فقط ۶۲۶۹۶ نفر با قبولی های امسال، به حرفه وکالت (اعم از کانون وکلاء دادگستری و مرکز امور مشاوران ماده ۱۸۷) اشتغال دارند. بنده در این نوشتار از دو منظر قانونی و اجتماعی نکاتی را درخصوص نادرست بودن این تعیین محدودیت ظرفیت برای حرفه وکالت مطرح می کنم:

#### ۱- از منظر قانونی: □

مطابق صراحت اصل ۲۸ و بند سه اصل ۴۳ قانون اساسی درخصوص آزادی انتخاب شغل و تکلیف دولت به امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل و تصریح تبصره دو ماده هفت قانون اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون

اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، درباره ممنوعیت عدم صدور مجوز شغل بدلیل اشباع بودن بازار، تعیین ظرفیت برای مشاغل مختلف از جمله حرفه وکالت خلاف قانون است. درباره مستند شمول این قانون به حرفه وکالت باید به بند ۲۱ ماده یک قانون یادشده درخصوص تعریف مجوز کسب و کار مراجعه کنید که به همه مراجع از جمله اتحادیه ها اشاره کرده است.

توضیح آنکه علی رغم اجازه تعیین ظرفیت در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (تبصره ماده یک) مصوب سال ۱۳۷۶ بدلیل صراحت ماده ۹۲ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۷، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن از جمله تعیین محدودیت ظرفیت مندرج در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، نسخ شده و خلاف قانون جدید است. ضمناً مطابق تبصره چهارم قانون یاد شده، هرگونه درخواست شرط اضافی برای کسب شغل مطابق ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی از دو ماه تا یکسال حبس دارد. بنابراین قانونگذار تعیین محدودیت ظرفیت را ممنوع اعلام کرده است.

## ۲- از منظر اجتماعی: □

صرف نظر از این ممنوعیت قانونی و تعیین مجازات، الگوی رقابت در عرصه کسب و کار ایجاب می کند که تخصیص بهینه منابع از سوی خود بازار متوازن شود نه بصورت دستوری و با تعیین تکلیف عده ای محدود. حرفه وکالت را نباید تافته جدا بافته ای از سایر مشاغل دانست و خیل عظیم متقاضیان این شغل را صرفا با بهانه اشباع بودن بازار از احراز این شغل محروم کرد. البته این امر به معنای بی توجهی به سطح علمی و دانش متقاضیان این حرفه نیست. اما آزمون وکالت صرفا باید برای سنجش سواد حقوقی مورد نیاز حرفه وکالت، با یک حد نصاب ثابت و معین نمره ای برگزار شود نه با تعیین محدودیت ظرفیت نفرات. که چه بسا داوطلبی امسال با نمره ثابتی قبول نشده ولی فردی سال گذشته با همین نمره بدلیل بیشتر بودن ظرفیت قبول شده است. وظیفه مرجع صدور مجوز صرفا احراز صلاحیت داوطلب است نه نگرانی درباره اشباع بودن بازار. هرچند می تواند این احراز صلاحیت را در رتبه بندی و درجه بندی پایه یک، دو، سه و ... حتی رتبه بندی موضوعی اعمال کند اما نباید محدودیت ظرفیت قرار دهد. بسیاری از وکلا از پذیرش وکالت بسیاری از موارد، بدلیل ساده بودن یا برعکس زحمت زیاد و یا حق الوکاله پایین اجتناب می کنند اما در مقابل داوطلبان بسیاری هستند که بدلیل اینکه چند تست را غلط زده اند و از قافله فاتحان آزمون وکالت عقب ماندند،

حاضرند آن پرونده ها را قبول کنند اما تعیین محدودیت ظرفیت این اجازه را به آنها نمی دهد. شاید این آزادسازی چندان به مذاق برخی وکلای محترمی که اکنون به این حرفه اشتغال دارند خوش نیاید اما حقیقت آن است که الگوی رقابت واقعی ایجاب می کند که احراز مطلق صلاحیت ملاک باشد نه نسبت به داوطلبان دیگر و بهتر است که عدم انتخاب حرفه وکالت را به دلیل اشباع بازار به خود داوطلبان بسپاریم نه کسانی که خودشان ممکن است ذی نفع انحصار باشند!

پانچ بہ شہات، اہامات و سوالات

پیرامون

کسین حذف ملاک تعیین ظرفیت

برای حرفہ وکالت

## شبیه اول

حذف ظرفیت باعث کاهش سواد حقوقی و کلاء و در نتیجه متضرر شدن موکلان و درگیر شدن بیشتر دستگاه قضایی می شود.

## پاسخ:

این شبیه از آنجا ناشی می شود که عده ای حذف ملاک محدودیت ظرفیت را معادل حذف آزمون و یا معادل یک حد نصاب نمره ای ثابت پایین در نظر گرفته اند در حالی که وقتی ما می گوئیم حذف ملاک محدودیت ظرفیت یعنی فقط ملاک احراز صلاحیت تغییر کند و ثابت شود به جای تعداد نفرات ، یک استاندارد علمی معقول ملاک باشد و بصورت شفاف اعلام شود و همه بدانند که باید چه معدل و حد نصابی بیاورند و نگران کثرت حضور داوطلبان نباشند، بلکه بدانند که باید سطح علمی خودشان را تا آن استاندارد بالا ببرند تا بتوانند در آزمون قبول شوند. بنابراین حذف ملاک محدودیت ظرفیت ملازمه ای با کاهش سواد حقوقی پذیرفته شدگان ندارد.

## شبیه دوم

اگر ملاک محدودیت ظرفیت برداشته شود، ممکن است آنقدر آزمون و اختبار را سخت بگیرند که همین تعداد فعلی هم پذیرفته نشوند.

### پاسخ:

اولا

هدف اصلی و اولیه این است که کسب شغل وکالت هم مانند همه مشاغل غیر دولتی شرایط روشن و شفافی داشته باشد و این شرایط به نسبت حضور متقاضیان و داوطلبان و یا تعیین سقف پذیرفته شدگان محدود نشود و یا از سوی عده ای محدود به بهانه اشباع بازار، ظرفیت محدود معین نگردد. لذا ما باید در وهله اول نگران تعیین شرط غیرعادلانه و خلاف قانون باشیم که متأسفانه تقریباً قبولی را در آزمون وکالت غیر قابل پیش بینی می کند. در وهله بعد باید نگران این باشیم که حالا با این تعیین حد نصاب نمره ای چند نفر قبول می شوند؟ بیشتر می شود یا کمتر؟



## ثانیا

فرض ما این است که استاندارد علمی و سوالات با کینه و بغض برای کاهش پذیرش تعیین و طرح نمی شود بلکه منطبق بر واقعیات و سطح قابل قبول برای ورود به حرفه وکالت معین می گردد. حتما امتحانی که ۶۰ هزار نفر شرکت کنند و ۵۰۰ نفر هم نتوانند قبول شوند نشان از غیر استاندارد بودن سطح و سوالات دارد و باید در آن تجدیدنظر کرد. قاعدتا بعد از حذف ملاک ظرفیت، این موضوع تعیین استاندارد ثابت را باید به یک جمع اساتید دانشگاهی منصف و صاحب نظر سپرد.

## ثالثا

حذف ملاک محدودیت ظرفیت یعنی حذف استرس یعنی حذف فشار روانی بر داوطلبان. حتما در مسیر مطالعه و یادگیری آنها هم تاثیر خواهد داشت که برای رسیدن به یک حد نصاب نمره ای تلاش کنند نه اینکه ۵۸ هزار نفر را کنار بزنند و جزء دو هزار نفر باشند!

## شبیه سوم

همین الان بسیاری از وکلاء بیکار هستند و به سختی پرونده بدست می آورند، حذف ظرفیت فقط وکلاء بیکار را زیاد می کند.

## پاسخ:

اولا

این شبیه دقیقا برآمده از همان دیدگاهی ست که به دلیل حفظ منافع خود، مجوز انحصار شغل وکالت را صادر می کند. اساسا قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴ و اصلاحیه آن برای از بین بردن چنین انحصاری تصویب شده است. چنانکه برای کسانی که به بهانه اشباع از صدور مجوز شغل امتناع می کنند، مجازات تعیین کرده است. یعنی دیدگاهی را پذیرفته که مرجع صدور مجوز فقط حق دارد احراز صلاحیت کند و رقابت اصلی باید بین افراد دارای صلاحیت در بازار آن شغل شکل بگیرد.

## ثانیا

چه آمار مستندی درباره بیکاری وجود دارد؟ اینکه من چندین نفر را می شناسم یعنی مستند؟ خب بنده هم بسیاری را می شناسم که فقط پرونده های کلان قبول می کنند و هرگز سراغ پرونده های خرد نمی روند. این دلیل نمی شود. در ثانی از کجا معلوم که بیکاری عده ای از وکلاء صرفا بخاطر افزایش پذیرفته شدگان باشد؟ عوامل مختلفی ممکن است دخیل باشند که شاید شیوه آزمون که متکی به حافظه داوطلب است یکی از این عوامل باشد. عدم رتبه بندی وکلاء یکی از این موارد باشد و ...

## ثالثا

افرادی که فقط اعلام می کنند ما فقط برای خود این افراد می گوییم و خود را دلسوز بیکار شدن پذیرفته شدگان جدید جلوه می دهند خب بگذارند این متقاضیان هم مثل بقیه وکیل بیکار شوند چه ضرری دارد؟ مگر اینکه مقصود اصلی آنها آجر شدن نان عده ای از وکلای دیگر باشد که نشان می دهد موضوع پس بیشتر دلسوزی برای وکلای فعلی است. اتفاقا الگوی رقابت می گوید نباید داوطلب شغل را حذف کرد بلکه باید عرضه و تقاضا به حدی برسد که خود داوطلب تصمیم بگیرد وارد این حرفه نشود چون بیکار می شود و درآمدی ندارد.

## رابعاً

اعمال الگوی رقابتی باعث می شود که رقم حق الوکاله هم تعدیل شود و خود به خود تعادلی در بازار وکالت رخ بدهد و شغل وکالت از یک شغل لوکس به یک شغل کار راه انداز و عملیاتی تبدیل شود متأسفانه الان برخی از داوطلبان اینگونه فکر می کنند که می رویم وکیل می شویم و با چند تا پرونده چند میلیارد به جیب می زنیم و بعد هم با آرامش در یک دفتر لاکچری به پرونده های خرد حقوقی جواب منفی می دهیم!

در حالیکه با اعمال این الگو کسی که الان مشکل خرد مثلاً تعاونی مسکن یا پرونده خانوادگی و ... دارد هم از گرفتن وکیل نا امید نمی شود. و کسی که بخاطر رقم بالای خواسته، بصورت پیش فرض باید رقم بالایی هم حق الوکاله بدهد دیگر بدلیل الگوی رقابتی بین وکلاء حق انتخاب دارد و بدین ترتیب رقم حق الوکاله ها هم تعدیل می شود.

## شبیه چهارم

چرا فقط وکالت ؟ اگر حذف ظرفیت خوب است، سردفتری، قضاوت و مشاغل دیگر هم باید مشمول این کمپین شوند

### پاسخ:

اتفاقا من ابتدا از حرفه وکالت به فکر تشکیل کمپین برای حذف ملاک ظرفیت نیفتمادم بلکه در پیگیری سوژه های ستاره دار روزنامه متوجه شدم که این قانون اشباع مشاغل بسیاری را شامل می شود و قانونگذار به صراحت همه مراجع صدور مجوز مشاغل غیر دولتی را از تعیین ظرفیت منع کرده است. همزمان با اخبار اعلام نتایج آزمون وکالت امسال و طبیعتا اطلاعاتی که از رشته حقوق دارم برای شروع، وکالت را انتخاب کردم اما به لطف پروردگار این کمپین به وکالت محدود نمی شود و همه مشاغل غیر دولتی را در بر می گیرد. سر دفتری را هم شامل می شود اما قضاوت را خیر چون قضاوت شغل

غیر دولتی محسوب نمی شود و حکومت حق دارد که بسته به محدودیت ها و نیازهایی که دارد برای اداره امور خودش کارمند استخدام کند. ولی مشاغلی که حق الزحمه را مستقیم از مشتری (اینجا موکل) می گیرند یعنی بخش غیر دولتی و اصناف و اتحادیه ها چنین حقی ندارند که محدودیت بگذارند و دایه دلسوزتر از مادر شوند بلکه باید عدم انتخاب شغل به دلیل اشباع بودن بازار را به خود متقاضی و داوطلب بسپارند و این مراجع فقط حق دارند شرایط و ضوابط مورد نیاز کسب آن حرفه مانند احراز صلاحیت علمی را سنجش کنند.

کثرت داوطلبان حرفه وکالت بخاطر کثرت دانشجویان رشته حقوق و پذیرش بی حساب و کتاب دانشگاه های ناکجاآباد و دور افتاده است. به جای حذف ظرفیت باید پذیرش دانشجو را محدود کرد.

### پاسخ:

کاهش پذیرش دانشجو برای رشته حقوق در پاسخ به مطالبه حذف ظرفیت یک راه حل انحرافی است. الان مطالبه ما از کسانی است که خلاف قانون ظرفیت را برای حرفه وکالت محدود کردند. آنها نمی توانند در پاسخ به مطالبه حذف ظرفیت توپ را به زمین آموزش عالی بیندازند. چون اساسا حق ندارند ملاک پذیرش را ظرفیت تعیین کنند. وقتی حد نصاب نمره ای ثابت معین شود و این نمره ملاک پذیرش باشد، مهم نیست شما دانشگاه تهران و شهید بهشتی درس خواندی یا دانشگاه ناکجاآباد! کسی که ناکجاآباد هم درس خوانده میدانند برای پذیرش در حرفه وکالت باید معدلش  $X$  باشد و چه بسا

قبول شود. کسی هم که در آزمون احراز صلاحیت علمی وکالت قبول شده را نمی توانیم صرفاً بخاطر اینکه در ناکجاآباد تحصیل کرده، سرزنش کنیم. بهر حال او در یک رقابت سالم توانسته حد نصاب را بدست آورد. البته درباره ورودی رشته حقوق باید بازنگری صورت گیرد اما این ربطی به مطالبه فعلی و این کمپین ندارد و مسیر ما را منحرف می کند. مسوولان مخاطب ما در این کمپین هم نقشی در حوزه آموزش دانشگاهی رشته حقوق ندارند و باید فقط همان مطالبه محوری حذف ملاک تعیین ظرفیت را دنبال کنیم.

مطالبه مستقیم ما این نیست که کانون وکلاء ظرفیت را زیاد کند مطالبه مستقیم این است که ملاک احراز صلاحیت علمی را جایگزین ملاک محدودیت پذیرش نفرات کند چون ملاک تعداد نفرات هم خلاف قانون است و هم غیر منصفانه و سیال. یعنی یک سال کسی با یک نمره ای قبول می شود که سال بعد ممکن است فردی با همان نمره قبول نشود. بنابراین هدف مستقیم ما اصلاح روند پذیرش منطبق بر قانون، عدالت و الگوی رقابتی مشاغل غیردولتی در بازار است.

البته ما معتقدیم وقتی حد نصاب نمره ای ثابت تعیین شود اثر غیرمستقیم آن پذیرش بیشتر وکلاء است. اما نباید گفت چون پذیرش بالا رفته ، این ها



بیسواد هستند! چون استاندارد صلاحیت علمی باید برای پذیرش درست و دقیق رعایت شود.

اساسا حرف ما این است که نیاز جامعه به وکیل را بازار معین می کند نه من و شما و نه شورای مسوول مطابق قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت! مرجع صدور مجوز فقط مکلف است صلاحیت علمی و شرایط لازم را احراز کند. اتفاقا وقتی اینگونه شود خود بخود عرضه و تقاضا متوازن می شود وقتی می گوئیم بازار معین می کند یعنی داوطلب خودش می داند که اگر برود وکیل شود درآمدش اینگونه است و هر کسی که مایل باشد در آزمون شرکت می کند.

در کشورهای دیگر هم محدودیت ظرفیت پذیرفته شده است، چرا در ایران پذیرفته نشود

پاسخ:

اولا

در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، آلمان، فرانسه و ... چون اتفاقا آنجا الگوی رقابتی مشاغل اعمال می شود اصلا اینگونه نیست و هیچ محدودیت پذیرش وکیل وجود ندارد بلکه صرفا مراحل مختلفی برای احراز صلاحیت هست.

ثانیا

در سنجش های بین المللی، استاندارد تعداد وکیل به جمعیت بسیار بیشتر از تعداد وکلاء ماست. به عنوان نمونه در سنجش ۲۰۱۶ پروژه جهانی عدالت جزییات این موضوع به تفصیل وجود دارد. توضیح آنکه پروژه جهانی عدالت یک سازمان چند رشته ای مستقل است که به منظور پیشبرد حاکمیت قانون در سراسر دنیا تشکیل شده است. پروژه عدالت جهانی حاکمیت قانون به منظور ارزیابی میزان جاری شدن قوانین و احترام به آن در کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. در ارزیابی عملکرد قوه قضائیه می توان از شاخص های این مدل بهره گرفت.

بر اساس گزارش پروژه جهانی عدالت در آمریکا به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت ، ۴۰ وکیل مدنی وجود دارد. اگر وکیل کیفری را هم محاسبه کنیم این عدد به حدود ۸۰ وکیل خواهد رسید در حالی که در کشور ما به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، ۸/۷ وکیل وجود دارد و این یعنی یک دهم شاخصی که در آمریکا هست.

The World Justice Project (WJP) Rule of Law Index<sup>®</sup> is the world's leading source for original data on the rule of law.

The ۲۰۱۶ edition expands coverage to ۱۱۳ countries and jurisdictions (from ۱۰۲ in ۲۰۱۵), relying on more than ۱۰۰,۰۰۰ household and expert surveys to measure how the rule of law is experienced in practical, everyday situations by the general public worldwide. Performance is measured using ۴۴ indicators across eight primary rule of law factors, each of which is scored and ranked globally and against regional and income peers: Constraints on Government Powers, Absence of Corruption, Open Government, Fundamental Rights, Order and Security, Regulatory Enforcement, Civil Justice, and Criminal Justice.

## شبیه هفتم

خیلی از افراد و نهادها به دنبال نقض استقلال کانون وکلاء هستند. این کمپین هم در همان جهت حرکت می کند

پاسخ:

نباید هر نقد و اعتراض به حقی را ناقض استقلال کانون وکلاء دانست. قرار نیست با حذف ملاک ناعادلانه محدودیت ظرفیت استقلال کانون وکلاء زیر سوال برود. چرا که کماکان احراز صلاحیت علمی داوطلبان در اختیار این کانون است که از طریق برگزاری آزمون و اختبار صورت می گیرد. صرفاً معیار جایگزین می شود یعنی به جای تعداد نفرات حد نصاب نمره ای ملاک قرار می گیرد. البته که از کانون هم توقع می رود در تعیین حد نصاب و روند احراز صلاحیت علمی یک فرآیند معقول و کارآمد را در نظر بگیرد که مورد نیاز این حرفه است.

## شبیه هشتم

این الگوی رقابتی کسب و کار برای مشاغل خرد کاسبی است نه شغل وکالت که با عرض، جان، مال و آبروی افراد در ارتباط است. وکالت که مثل بقالی و ماست فروشی نیست! نباید حیثیت حرفه وکالت را با این کمپین زیر سوال برد.

پاسخ:

اولا

شرافت و حیثیت مشاغل را با نوع کار نمی سنجند. مگر مشاغل دیگر بی حیثیت و بی شرف هستند؟! چرا مشاغل غیر دولتی دیگر باید درگیر یک رقابت عینی با هم صنف در بازار باشند اما در حرفه وکالت با محدودیت ظرفیت خیال خودشان را از رقابت راحت کنند؟

ثانیا

ارتباط داشتن با جان و مال و ناموس و .. را نباید پیراهن عثمان کرد و از آن ضرورت محدودیت ظرفیت را برداشت کرد. مگر کسی که داروخانه

دارد، کسی که باشگاه ورزشی دارد، کسی که رستوران دارد و ... با باد هوا سروکار دارد؟! چرا او فقط باید احراز صلاحیت بشود اما در مورد وکالت به عنوان یک تافته جدا بافته محدودیت ظرفیت هم اعمال شود؟! سروکار داشتن با جان، مال، ناموس و آبرو در کیفیت احراز صلاحیت تاثیر دارد، نه در محدود سازی پذیرش! جدا کردن وکالت از دیگر حرفه ها و مستثنی کردن از الگوی رقابتی کسب و کار خلاف قانون، عقل، منطق و مناسبات اقتصادی جامعه است.

## تکلیف ضرب و تقسیم ساده!

### ۱- تعداد پرونده :

تعداد پرونده های ورودی دستگاه قضایی در سال

۱۴ میلیون و ۶۲۱ هزار و ۹۴۵ پرونده

با احتساب دو طرف دعوا

۲۹ میلیون و ۲۴۳ هزار و ۸۹۰ پرونده

یعنی به همین میزان می تواند قرارداد وکالت منعقد شود

### ۲- تعداد وکلاء:

جمع تعداد دقیق وکیل و مشاور حقوقی ماده ۱۸۷ با قبولی های امسال عبارتند

از: ۶۲ هزار و ۶۹۶ نفر

### ۳- نسبت تعداد پرونده ها به هر وکیل:

از ۳۶۵ روز سال اگر جمعه ها و روزهای تعطیل رسمی را کم کنیم ۲۴۴ روز باقی می ماند.

اگر به تعداد اطراف دعوا، قرارداد وکالت بالقوه داشته باشیم یعنی هر وکیل در سال ۴۶۶ پرونده می تواند داشته باشند.

متوسط تعداد پرونده در روز برای هر وکیل می شود  $1/8$  ! یعنی هر وکیل روزانه می تواند حدود ۲ پرونده داشته باشد!

### ۴- نسبت تعداد وکلاء به جمعیت:

مطابق آخرین سرشماری، جمعیت ایران حدود ۸۰ میلیون نفر است.

جمع تعداد دقیق وکیل و مشاور حقوقی ماده ۱۸۷ با قبولی های امسال عبارتند از: ۶۲ هزار و ۶۹۶ نفر

یعنی در کشور ما به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت،  $7/8$  وکیل وجود دارد.

بر اساس گزارش پروژه جهانی عدالت، این رقم در آمریکا ده برابر است یعنی به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، حدود ۸۰ وکیل وجود دارد.



## ۵- نتیجه گیری :

خب طبیعتا بعید است که وکیلی داشته باشیم که در سال ۴۶۶ پرونده را وکالت کند.

ای کاش آمار تعداد قرارداد وکالت قضایی را داشتیم تا نسبتش را به این حدود ۳۰ میلیون قرارداد بالقوه ارزیابی می کردیم که قطعا عدد بسیار پایینی است و بسیاری از پرونده ها وکیل ندارند.

یعنی

۱- این اختلاف فاحش بین قراردادهای وکالت فعلی و ظرفیت بالقوه وکالت نشان می دهد، امکان جذب وکیل بیشتر وجود دارد و بیکاری وکلاء معنی ندارد.

۲- تازه برخی موضوعات قضایی هست که فرد به دلیل اینکه نمی تواند حق الوکاله بالا به وکیل بدهد اساسا طرح آن را دادگاه به تاخیر انداخته است و جزء این ارقام نیست.

۳- از سوی دیگر اینها فقط وکالت پرونده های قضایی است در حالی که برای همه امور می توان وکالت کرد و نه فقط وکالت پرونده های دادگستری

و می توان اساساً برای این موضوع یک طرح جدید درانداخت که با رتبه بندی حرفه وکالت پیگیری بسیاری از امور مانند اخذ مجوزها، ثبت شرکت ها و ... هم افراد به وکلاء مراجعه کنند.

۴- می توان تدبیر کرد برای حرفه وکالت هم وکیل یار و دستیار وکیل داشته باشیم. این حوزه هم بخش عظیمی از فارغ التحصیلان را شاغل خواهد کرد.

## دوستان محترم عضو کمپین

این موضوع کمپین ده ها بحث فرعی و زیر مجموعه دارد  
از جمله اصلاح نوع امتحان، جذب غیر بومی ها، سهمیه های ایثارگران،  
پذیرش بی ضابطه دانشگاه ها و مشاغل دیگر مانند سردفتری، کارشناس  
رسمی دادگستری و ..

ما اساسا نمی توانیم در این گروه به همه موضوعات پردازیم  
ضمن اینکه از هدف اصلی هم دور می شویم

## این گروه فقط و فقط

**برای حذف معیار محدودیت ظرفیت در حرفه وکالت تشکیل شده**

ان شاءالله موضوعات دیگر در فرصت و مجال دیگر

## قواعد گروه

۱- این گروه فقط برای هماهنگی بیشتر موافقان حذف معیار محدودیت ظرفیت از حرفه وکالت تاسیس شده است لطفا اگر موافق نیستید گروه را ترک کنید

۲- مطالبه اولیه ما حذف این معیار ناعادلانه و خلاف قانون است و اصلاح نوع امتحان (تستی یا تشریحی)، کیفیت طرح سوالات، سهمیه بندی، و روندهای دیگر را ان شاءالله باید در مراحل بعدی پیگیری و طرح کرد.

نباید از مطالبه اصلی منحرف شد و غفلت کنیم

۳- لطفا وکلای محترم گروه اگر موافق کمپین هستند حضور داشته باشند

۴- لطفا هرگز پیام غیرمرتبط و یا تبلیغ در گروه نگذارید

۵- لطفا برای رعایت حال اعضاء، بعد از ساعت ۱۲ شب تا ساعت هفت صبح هیچ پیامی در گروه نگذارید

۶- گام اول کمپین همراه سازی موافقان است تا گستره وسیع تری چنین طرحی را مطالبه کنند